

قیمت‌گذاری، مجلس و دگرگونی اصول



نوشته: دکتر محمود پور شیرازی

اخیراً تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح کنترل قیمت کالاها و خدمات توسط مجلس و سلب اختیار قیمت‌گذاری از شورای اقتصاد را با قید یک فوریت تقدیم مجلس کردند. اگرچه اعتراض نمایندگان به افزایش غیرقابل تحمل قیمتها، بخصوص برای قشرهای کم درآمد جامعه، وارد و شایسته تقدیر است، اما پیشنهاد کنترل و تعیین قیمتها را توسط مجلس شورای اسلامی توجیه نمی‌کند.

اینکه نماینده برجسته‌ای در مجلس طی مصاحبه‌ای اعلام می‌کند «افزایش بی‌رویه قیمتها اساس برنامه‌ریزی خانوارها را بهم ریخته است» و یا نماینده دیگری که در تماس نزدیک با مردم شهر خود است از قول آنان گله و شکایت از ترقی‌گناه روزانه قیمتها دارد، بجا و درخور توجه مسئولین کشور است، ولی به هیچوجه تصویب طرحی را در مورد تعیین قیمت‌ها بوسیله مجلس شورای اسلامی نه تنها موجه نمی‌سازد، بلکه در صورت تصویب طرح، اصول معینی را دگرگون می‌سازد و وظایف دولت و پارلمان را جابجا می‌کند.

در مورد طرح کنترل قیمت‌ها توسط مجلس چند نکته متفاوت را مورد اشاره قرار می‌دهیم و امیدواریم باب بحثی را در این زمینه در مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی و حتی درخود مجلس افتتاح کنیم؟

نخست درباره قیمت‌گذاری توسط مجلس باید گفت که طبق اصول دموکراسی وظایف هر یک از سه قوه دقیقاً مشخص و معین می‌باشد، و هیچ قوه حق دخالت در اختیارات قوه دیگری را ندارد. مطابق اصول

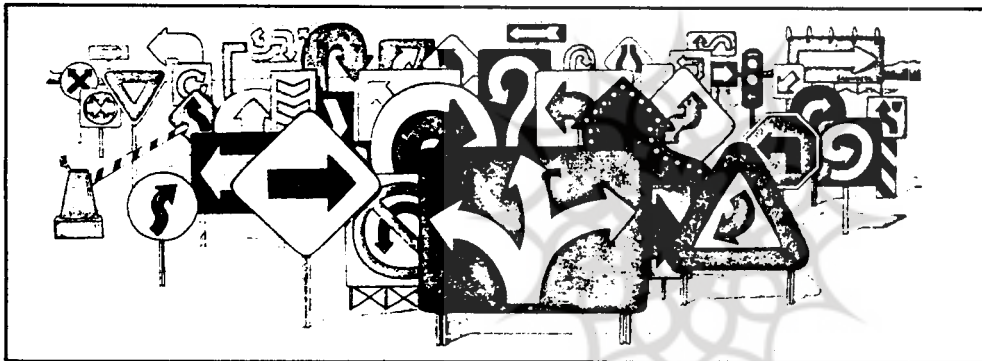
«پارلمنتاریسم» و قانون اساسی مجلس می‌تواند دولت را استیضاح کند، به وزراء رای منفی دهد و اعتماد خود را از آنان سلب کرده و وادار به استعفا کند، چون خود مجلس به وزرا رای اعتماد داده و آنان را در سمت خود تأیید کرده است. اما طبق اصول مسلم دموکراسی، مجلس حق دخالت در کارها و وظایف وزراء را ندارد. اگر هیأت دولت و یا وزیری خوب عمل نکرد، اگر برنامه‌ریزی نداشت و یا به هر علتی شایستگی مورد انتظار را از خود نشان نداد، مجلس می‌تواند سریعاً دولت را مورد بازخواست قرار دهد و از وی سلب اعتماد نماید، اما حق ندارد در حیطه وظایف مشخص دولت که در رأس آن اداره کشور است، دخالت کند.

دارد، اگر دولتی بد عمل کرد و مثلاً تعداد بیکاران افزایش یافت، آنگاه مردم به هنگام انتخابات، دیگر به این حزب رای نمی‌دهند، و حزب دیگری را انتخاب می‌کنند.

در ایران رابطه مجلس و دولت با کشورهای اروپایی متفاوت است. نمایندگان منتخب مردم به حزبی وابسته نیستند - هر چند در مجلس فراکسیونها و گروههای مختلف وجود دارند - و از اینرو، رئیس دولت و وزراء، درست برخلاف کشورهای غربی به حزبی و یا به گروه اعلام شده شخصی وابسته نیستند و می‌توانند هر زمان هدف انتقادات و ایرادات از سوی نمایندگان پارلمان قرار گیرند. حال اگر به علت ضعف،

هرگونه بحثی را در مورد افزایش قیمت‌های پیشنهاد شده در مورد کالاها و خدمات دولت رد می‌کند و فقط توجه‌اش را معطوف به ارقام بودجه و اثرات مثبت و یا منفی آن بر اقتصاد کلان می‌ساخت.

موضوع سومی که در این بحث مختصر باید بدان پرداخت، مسؤلیتی است که خود مجلس نخست با تصویب برنامه پنجساله اول و سپس با تصویب بودجه‌های سالانه به عهده گرفته است. خود مجلس در برنامه پنجساله اول تصویب کرد که دولت حق دارد میلیاردها دلار از طریق «فاینانس» (به عبارت خیلی ساده وام گرفتن از خارج برای یک پروژه خاص) سرمایه‌گذاری کند، بدون اینکه طرحی جهت



بازپرداخت آن‌ها داشته باشد. حالا این وامها انباشته شده‌اند و با کاهش درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و عدم امکان پرداخت به موقع آن‌ها از یک طرف و «فاینانس کردن» بیشتر از طرف دیگر - در سال جاری تنها وزارت نفت جهت مخارج ارزی خود بیش از سه میلیارد دلار وام می‌گیرد - حداکثر فشار از نظر کمبود ارز به اقتصاد کشور وارد می‌شود و این امر سبب خواهد شد که باوجود تقاضا برای خرید ارز، روز به روز نرخ برابری آن در برابر ریال ترقی کند و به مجرد افزایش قیمت دلار و دیگر ارزها، قیمت کالاها و خدمات افزایش یابد و این افزایش همچنان - همانطور که شاهد آن هستیم - ادامه یابد. آیا مجلس می‌تواند خود را میرا از مسؤلیت به وجود آمدن چنین اوضاعی بداند؟

بی‌برنامگی و غفلت وزیر یا وزرائی مشکلاتی پدیدار شده است، مجلس باید آن وزیر یا وزراء را مورد سؤال و باخواست و احیاناً استیضاح قرار دهد، نه اینکه خود در وظایف مشخص و مسجل وزراء دخالت نماید و بخواهد بدینگونه به اوضاع سروسامان دهد. در صورت وقوع این امر، یعنی دخالت قوه مقننه در امور قوه مجریه این خطر وجود دارد که فردا نیز احتمالاً قوه قضائیه در امور مقننه دخالت کند و سپس مرزبندیهای بین سه قوه بهم بریزد.

موضوع دیگری که در این بحث باید بدان اشارت شود و گویا نمایندگان مجلس اصلاً بدان توجه ندارند، اینست که مجلس به هیچ وجه نباید در امر قیمت‌گذاری دخالت کند و خود را شریک عدم موفقیت و یا موفقیت قوه مجریه نماید. مجلس باید هنگام طرح لایحه بودجه سال هفتاد و سه مطلقاً

در اینجا البته به طور عمیقتر رابطه دولت و مجلس مطرح می‌شود. در دموکراسی‌های غربی معمولاً حزبی که بیشترین آراه را در انتخابات اخذ می‌کند و نمایندگانش به پارلمان راه می‌یابند، یا خود در صورت داشتن اکثریت مطلق دولت را تشکیل می‌دهد و یا با سایر احزاب ائتلاف کرده و مشترکاً دولت تشکیل می‌دهند. معمولاً رهبر دولتی که بوسیله حزب خود در پارلمان و یا توسط احزاب ائتلافی که در پارلمان اکثریت دارند، انتخاب می‌شود و رهبر حزب اکثریت نیز هست و رئیس مجلس یکی از افراد حزب است، نه شخصیتی متکی به خود و مستقل.

دولت هر طرحی را که صلاح بداند به مجلس ارائه می‌دهد و مجلس هم با وجود مخالفت احزابی که در تشکیل دولت شرکت ندارند، طرح را تصویب می‌کند، چون دولت در مجلس اکثریت